

# بحران پناهندگی:

# یک جنایت سرمایه داری

گردآوری و ترجمه: آرام نوبخت



گرایش  
بلشویک  
لنینیست‌های ایران  
Leninist.org



از سری جزوات بلشویک-لنینیست‌ها

صفحه	فهرست
۳	مرگ پناهندگان در مدیترانه: یک جنایت امپریالیستی
۷	اسناد پاناما: سودآوری «برادران کوآک» در هنگ کنگ از فلاکت پناهندگان استرالیا
۱۰	سیریزا: شریک کامل جنایت تاریخی علیه پناهندگان
۱۴	اتحاد با ترکیه برای بستن مرزها
۱۹	بحران پناهندگی و دو قطبی شدن اروپا
۲۳	گزارش دیده بان حقوق بشر دربارهٔ حملات به حقوق دمکراتیک در امریکا و اروپا
۲۷	غرق شدن پناهجویان در نزدیکی جزیرهٔ «فارماکونسی» یونان



## مرگ پناهندگان در مدیترانه: یک جنایت امپریالیستی



پیتر شوآرتس

مرگ صدها پناهنده در دریای مدیترانه در روز دوشنبه، نه فقط یک تراژدی، که یک جنایت است. مسئولین این جنایت، حکومت های واشنگتن، برلین، آتن، رم و سایر سرمایه های اروپایی و همین طور «کمیسیون اتحادیه اروپا» در بروکسل هستند.

اینان از دو جهت مقصر این مرگ های تراژیک محسوب می شوند. دهه ها ستم امپریالیستی بر خاورمیانه و آفریقا و جنگ های افغانستان، عراق، لیبی و سوریه، شرایطی را مهیا کرده است که میلیون ها تن از مردم، فرار و به خطر انداختن جان خود را به باقی ماندن و رویارویی با خطر همیشگی مرگ و واقعیت فقر تلخ در داخل کشورهایشان ترجیح دهند. بسته شدن مرزهای اروپا، همراه با گشت های دریایی در مدیترانه، پناهندگان را وادار می کند که مسیرهای به مراتب خطرناک تری را طی کنند.

مرگ هزاران تن در اثر غرق شدن، به عنوان تلفات جانبی کارزار بیرون نگه داشتن پناهندگان از اروپا پذیرفته می شود، اگر نگوییم مورد استقبال قرار می گیرد. «چارلز هلر»، از نویسندگان پژوهش «گولداسمیت کالج»

(دانشگاه لندن) دربارهٔ پیامدهای مرگبار سیاست های اتحادیهٔ اروپا در مدیترانه، آن ها را به «کشتار سهوی» متهم می کند.

زمانی که اتحادیهٔ اروپا و ترکیه ماه پیش به توافق کثیفی برای توقف جریان پناهندگی دست یافتند، وزیر داخلهٔ آلمان، «توما دو مزیری» گفت: «حتی اگر مجبور باشیم چند هفته تصاویر نامطبوع را تحمل کنیم، رویکرد اصلی ما صحیح است». همان طور که فقدان گزارش دربارهٔ فاجعهٔ روز دوشنبه نشان می دهد، رسانه های اروپا تصمیم گرفته اند که این «تصاویر نامطبوع» را از دیدهٔ مردم پنهان کنند.

وقتی روز دوشنبه روشن شد که صدها نفر طی یک سانحهٔ واحد جان خود را از دست داده اند، اکثر روزنامه ها و رسانه های خبری به زحمت گزارشی در این باره دادند. گزارش های مختصری در برخی انتشارات آنلاین بود که آن هم خیلی زود ناپدید شد. علت آن عدم تأیید رسمی اعلام شد، گویا این گفته کمیابی گزارش ها را توجیه می کرد.

با این حال شواهد فراوانی وجود داشت که چیزی بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ پناهنده از لیبی، سومالی، اریتره، اتیوپی، مصر و سودان نیمه شب به دنبال واژگونی قایق حامل خود از آفریقای شمالی به ایتالیا در دریاها آزاد، جان خود را از دست داده بودند. هم رئیس جمهور ایتالیا «سرجیو ماتارلا» و هم نخست وزیر آلمان «فرانک والتر اشتاین مایر» این غرق شدن های دسته جمعی را گزارش دادند. سخنگوی حکومت سومالی، «عبدالسلام عاتو» گفت که ۵۰۰ مهاجر در قایق بودند. فهرست های مسافری در شبکه های اجتماعی به سرعت دست به دست شدند.

«بیت شولر»، متخصص حقوقی «کمیسریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد»، در «سوئیس تی.وی» تأیید کرد: «می دانیم که ۴۰ نفر جان سالم به در برده اند و احتمالاً تا ۴۶۰ نفر در قایقی از مصر سفر خود را آغاز کرده بودند». «بی.بی.سی» در شهرک ساحلی «کالاماتا» یونان با بازماندگان فاجعه مصاحبه کرد. آن ها صحبت از تقریباً ۵۰۰ قربانی می کردند. با این وجود روز سه شنبه سکوت بر رسانه ها غالب بود.

اگر این آمارها تأیید شوند، این سانحهٔ اخیر از جملهٔ بدترین حوادث محسوب می شود، هرچند تنها یکی از فجایع مشابه بسیار است. طبق آمارهای «سازمان بین المللی مهاجرت» (IOM) که تمامی داده های موجود

دربارهٔ پناهندگان را مقابله و تطبیق می کند، به طور متوسط روزانه ده پناهنده طی دو سال و نیم گذشته در دریای مدیترانه جان خود را از دست دادند.

در سال ۲۰۱۴ طبق آمارهای IOM، ۳ هزار و ۲۷۹ نفر در حین تلاش برای عبور از دریای مدیترانه و اثره جان باختند. سال ۲۰۱۵ این رقم به ۳ هزار و ۷۷۰ نفر رسید. تا ۱۳ آوریل امسال، یعنی پیش از فاجعهٔ اخیر، ۷۳۲ تن جان باخته اند. این رقم دربرگیرندهٔ تعداد نامعلومی از مواردی نیست که هرگز در گزارش ها یا خبرگزاری ها اشاره نمی شوند.

مرگ و میر روزانه در مدیترانه، در حکم کیفرخواستی علیه نظام سرمایه داری است که هیچ چیزی برای ارائه به اکثریت مطلق جمعیت جهان ندارد جز نابرابری اجتماعی وخیم، سرکوب و جنگ. توحشی که در برخورد با پناهندگان و بازگرداندن آن ها به سوی مرگ به خرج داده می شود، نشان می دهد که چه چیزی در انتظار طبقهٔ کارگر به طور کلی است.

برخورد وحشیانه با پناهندگان و پناهجویانی که از ویرانی کشورهای خود به دست امپریالیسم امریکا و اروپا می گریزند، به طور لاینفکی با رشد میلیتاریسم، ناسیونالیسم و نزاع قدرت های بزرگ ارتباط دارد که خود با تعمیق فروپاشی اقتصادی جهان سرمایه داری نیرو گرفته است. درست مانند سال های دههٔ ۱۹۳۰، حکومت ها مشغول دامن زدن به نژادپرستی ضد مهاجرین و شووینیسم ملی در تلاش برای ارباب و سردرگمی افکار عمومی و غلبه بر جو گستردهٔ ضد جنگ هستند. زهر مهلک بیگانه هراسی، جزء اساسی تدارک ایدئولوژیک و سیاسی برای یک جنگ جدید جهانی است.

جبههٔ وسیعی از احزاب بورژوازی، از محافظه کاران تا سبزه ها و سوسیال دمکرات ها تا به اصطلاح «چپ»ها، مشغول دامن زدن به نفرت علیه پناهندگان و آماده کردن بستر سازمان های راست افراطی و فاشیستی هستند. حکومت «ائتلاف چپ رادیکال» (سپریزا) در یونان، در این میان نقش ویژه ای ایفا می کند. حکومت سپریزا از طرف اتحادیهٔ اروپا مشغول اخراج پناهندگان است، حتی اگر این به معنی زیر پا گذاشتن حقوق بشر آن ها، نقض قوانین حمایتی بین المللی از پناهجویان و محکوم کردن قربانیان این سیاست به زندان، شکنجه و مرگ باشد.

جنگ های امپریالیستی پانزده سال گذشته، مهم ترین دلیل کوچ گسترده پناهندگان از خاورمیانه و آفریقای شمالی هستند. اکنون، امریکا و متحدین اروپایی آن، در حال برنامه ریزی جنگ های امپریالیستی جدید به بهانه «مبارزه با علل کوچ» هستند. تدارکات برای مداخله نظامی در لیبی بسیار پیش رفته است، و در سوریه نیز قدرت های غربی مشغول شدت بخشیدن به عملیات خود علیه رژیم اسد و متحدین ایرانی و روس او هستند.

علت ریشه ای فوران میلیتاریسم امپریالیستی، بحران ساختاری سرمایه داری جهانی است که از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ شدت گرفته. نخبگان حاکم، درست مانند نیمه نخست قرن بیستم، با حملات اجتماعی به طبقه کارگر، جنگ و سرکوب در حال واکنش به تضادهای لاینحل نظام خود هستند.

تحت این شرایط، حمایت از پناهندگان، دفاع از حقوق دمکراتیک و اجتماعی و ضدیت با جنگ، به طور لاینفکی با مبارزه علیه سرمایه داری پیوند خورده اند. این مبارزه مستلزم توسعه جنبش انقلابی و سیاسی مستقل طبقه کارگر بین المللی است.

۲۰ آوریل ۲۰۱۶

## اسناد پاناما: سودآوری «برادران کوآک» در هنگ کنگ از فلاکت پناهندگان استرالیا



### گزارشگران «Socialist Action» در هنگ کنگ

اسناد افشاشده شرکت حقوقی پانامایی «موساک فونسکا»، موسوم به «اوراق پاناما»، بحران های سیاسی و رسوایی هایی را در سرتاسر جهان به دنبال داشته است. این اسناد که از سوی «کنسرسیوم بین المللی خبرنگاران تحقیقی» (ICIJ) منتشر شد، جزئیاتی را ارائه می کند که نشان می دهد چگونه نخبگان مالی برای پنهان کردن ثروت خود از انظار عمومی، درگیر حقه بازی مالی و فرار مالیاتی «در مقیاس تولید انبوه کارخانه ای» (به بیان «جرمی کوربین»، رهبر «حزب کارگر» بریتانیا) بوده اند.

در بین کله گنده هایی که زوایای تاریک کسب و کارشان در گزارش افشا شده است، نام های «توماس کوآک» و «ریموند کوآک»، به عنوان صاحبان بزرگ ترین مجتمع معاملات ملکی هنگ کنگ به نام «املاک سان هونگ کای» به چشم می خورد. «توماس کوآک»، همراه با «رافائل هوئی» از مقامات بلند پایه سابق حکومت که رشوه های کلانی از او گرفته بود، در حال تحمل پنج سال حبس به دلیل فساد مالی است. پرونده



برادران کوآک، بزرگ ترین پرونده فساد تاکنونی هنگ کنگ بود. «ریموند کوآک» نیز متهم به فساد شد، اما تبرئه گشت.

اسناد پاناما نشان می دهند که «برادران کوآک» سهم تعیین کننده ای در شرکتی دارند که کمپ های وحشتناک بازداشت و نگهداری پناهجویان در استرالیا را اداره می کند. شرکت «Wilson Security»، که اکنون مشخص شده تحت کنترل برادران کوآک بوده، بنا به گزارش ها نیم میلیارد دلار از محل مالیات دهندگان استرالیا بابت اداره این کمپ ها به دست آورده است. کمپ های جزیره «مانوس» واقع در «پاپوا گینه نو» و همین طور جزیره «نائورو»، یادآور کمپ های زندانیان جنگی در دوره جنگ جهانی دوم هستند. این واقعیت که سیاست های پناهندگی از طرف شرکتی مدیریت می شود که صاحبانش درگیر چنین فساد گسترده ای بوده اند، منجر به آن شده است که سیاستمداران استرالیایی خواهان پایان قرارداد شرکت «Wilson Security» شوند.

### نقض حقوق بشر

سیاست های نژادپرستانه ضد پناهندگی استرالیا، که تحت آن کلیه پناهجویان در کمپ ها بازداشت می شوند، مدت ها است که از سوی گروه های حقوق بشری و «سازمان ملل متحد» نقد شده است. سال ۲۰۱۴ نزدیک به ۱ هزار کودک در این کمپ ها نگهداری می شده اند. سال گذشته گزارش «دیدبان حقوق بشر» اعلام می کرد که «کارکنان مراکز بازداشت شواهدی را ارائه کرده اند که دال بر وجود وضعیت غیراستاندارد، ناامن و نامناسب است». «عفو بین الملل» نیز می گوید که سیاست استرالیا منجر به «شماری زیادی از موارد نقض حقوق بشر» می شود.

تا همین اواخر حکومت استرالیا پناهندگانی را که در حین تلاش برای راه یافتن با قایق به استرالیا بازداشت کرده بود، به کمپ های جزیره «نائورو» و «مانوس» در «پاپوا گینه نو» (در فاصله ۴۸۰۰ کیلومتری استرالیا) می فرستاده است. این کمپ ها از سوی شرکت «Wilson Security» اداره می شوند. فعالین حقوق بشر این کمپ ها را به دلیل ازدحام و وضعیت غیرانسانی و اسکان پناهندگان در ساختمان های مخروبه، به شدت نقد کرده اند. سال گذشته ۷۰۰ پناهنده در کمپ جزیره «مانوس»، علیه سوء برخوردها وارد اعتصاب غذا شدند.

افشا شدن ارتباط امپراتوری «کواک» با رفتارهای غیرانسانی علیه پناهندگان به شدت خبرساز شده است، آن هم درست در زمانی که حکومت هنگ کنگ در کنار خوش رقصی بلوک حامی خود، مشغول دامن زدن به احساسات ضد پناهندگی و درخواست سیاست های سخت تر برای جلوگیری از «پناهندگان قلبی» است.

## کمپ به معنی سود است!

تعدادی از چهره های حامی حکومت، از جمله «یه لیو شویی» - از تصویب کنندگان ماده بدنام ۲۳ قانون پایه ای هنگ کنگ - در رقابت با سیاست استرالیا خواهان ساخته شدن یک کمپ محصور برای تمامی پناهندگان هنگ کنگ هستند. دستگاه سرمایه داری هنگ کنگ، مانند استرالیا، در حال بهره گرفتن از نژادپرستی و تبلیغات ضد پناهندگی است تا توجه را از ناتوانی های سیاسی خود و فقدان حمایت مردمی منحرف کند. این تبلیغات امروز با نزدیک شدن به انتخابات شوراها قانون گذاری به سطوح گراننده ای رسیده اند.

نمونه «برادران کواک» و شرکت «Wilson Security» نشان می دهد که برخورد غیرانسانی با کسانی که از جنگ و گرسنگی و آزار و اذیت می گریزند، به یک کسب و کار خصوصی پرسود تبدیل شده است. به علاوه نشان می دهد که سیاستمداران ریاکار نگران این نیستند که این کسب و کار را به دست چه کسی می دهند، حتی جنایتکاران. سرمایه داری یک نظام بیمار است که در آن از پناهندگان هیولا می سازند و با آن ها به وحشیانه ترین روش ها برخورد می کنند، درحالی که کله گنده های فاسد پاداش می گیرند.

اسناد پاناما، پرده از فریبکاری مبسوط و فرار مالیاتی نخبگان سرمایه دار جهان بر می دارد. این رسوایی، در سرتاسر جهان دارد تلفات سیاسی می گیرد، از جمله نخست وزیر ایسلند که درست چند روز پس از انتشار گزارش وادار به استعفا شد. بستگان و خویشاوندان رهبران چین، نظیر «شی جین پینگ» و «ژانگ گائو لی» و رهبران سابق مانند «ون جیابائو» و «لی پنگ» در زمره افرادی هستند که برای پنهان کردن دارایی های خود شرکت های صوری دایر کرده اند.

## سیریزا: شریک کامل جنایت تاریخی علیه پناهندگان



### بیل فان آوکن

روز دوشنبه، با آغاز سفر کشتی های مملو از صدها پناهنده و مهاجر اخراجی از جزایر یونانی «لسبوس» و «خیوس» در دریای اژه به مقصد شهر ساحلی «دیکیلی» ترکیه، یک جنایت بین المللی با ابعاد تاریخی رقم خورد.

حکومت های اروپا به پناهندگانی که اکثراً از خشونت های مرگبار ناشی از مداخلات امپریالیسم امریکا و اروپا و همین طور جنگ های نیابتی در سوریه، عراق، افغانستان و بخش های مختلف آفریقا می گریزند، می گویند که جایی برای آن ها در این قاره یا حتی این سیاره نیست. پناهندگان را به زور در قایق ها بار می زنند و دوباره به سوی کُشتارگاه ها پرتاب می کنند.

طبق توافق غیرقانونی و کثیفی که میان اتحادیه اروپا و ترکیه منعقد شده است، کسانی که موفق شده اند با به خطر انداختن جان خود در قایق های سوراخ به سواحل اروپا راه پیدا کنند، از همان مسیری که آماده اند

بازگردانده می شوند. این پناهندگان به زیر ساطور رژیم استبدادی رجب طیب اردوغان می روند که برای انجام این اقدام کثیف میلیون ها یورو پول و انواع پاداش ها را دریافت کرده است.

اخراج های فله ای، همراه با بازداشت پناهندگان در وضعیت فلاکت خفت بار، نشانه ای است از بسته شدن مسیر ترانس-بالکان برای فرار به اروپای غربی. این اقدامات تنبیهی نه فقط فرسنگ ها با توقف جریان پناهندگان فاصله دارد، بلکه در بهترین حالت این موج رنج انسانی را به سوی مسیرهای خطرناک تری نظیر لیبی هل خواهد داد و به تلفات شدت خواهد بخشید.

گروه «پزشکان بدون مرز» تا پیش از نخستین اخراج های فله ای، کلینیک خود را در کمپ پناهندگی اصلی واقع در جزیره لسبوس تعطیل کرد. سرپرست این گروه امدادی توضیح داد که «ادامه دادن به کار در داخل این جا، ما را شریک جرم سیستمی می کند که به نظر ما هم ناعادلانه است و هم غیرانسانی». او اضافه کرد که گروه «پزشکان بدون مرز» نخواستند است «جزئی از سیستمی باشد که هیچ اهمیتی برای نیازهای انسانی یا حمایتی پناهجویان و مهاجرین قائل نیست».

به همین ترتیب آژانس پناهندگی سازمان ملل (UNHCR) ضمن پایان دادن به عملیات اصلی خود در یونان، اعتراض کرد که کمپ های پناهندگی به «مراکز بازداشت» برای اخراج های گسترده تبدیل شده اند. اما یک سازمان هم هست که با لگدمال کردن حقوق اولیه پناهندگان و بازپس فرستادن آن ها به سوی زندان، شکنجه و مرگ، در ارتباط با این اخراج ها و بازداشت های اجباری چنین بیم و اضطراب هایی از خود نشان نداده است: سیریزا (ائتلاف چپ رادیکال)، به عنوان حزب حاکم کنونی یونان.

حکومت یونان، به عنوان ائتلافی میان سیریزا و «یونانی های مستقل» (یک حزب ناسیونالیست راست‌گرا)، شریک بی چون و چرای سخت‌گیری های اتحادیه اروپا نسبت به پناهندگان است. جمعه شب گذشته، پارلمان یونان به اجرای قوانین حقوقی و اجرایی و همین طور قدرت بیش‌تر پلیس رأی داد تا روند اخراج پناهندگان را بر طبق توافق اتحادیه اروپا و ترکیه تسهیل کند. تنها یکی از قانون گزاران سیریزا علیه سرکوب های جدید رأی داد و یک نفر دیگر رأی ممتنع.

مابقی نمایندگان، شانه به شانه جناح راست، به آغاز و پیگیری سیاست جنایتکارانه ای رأی دادند که نقطه عطفی در نابودی حقوق پناهندگان است و این خود علامتی است دال بر صعود جهانی میلیتاریسم و حرکت ممتد به سوی جنگ جهانی.

حکومت الکسیس سیپراس برای سرکوب، جمع آوری و اخراج پناهندگان، مشغول استفاده از ارتش یونان و پلیس ضد شورش است که در صفوف آن حضور هواداران حزب فاشیستی و مهاجرتیز «طلوع طلایی» به هیچ وجه کم نیست. سیاست حکومت سیریزا در قبال پناهندگان، در نقطه مقابل همدردی گسترده مردم یونان با پناهجویان گرفتار مخمصه است. حکومت سیریزا در واکنش به این موضوع در تلاش است که سازمان های همبستگی با پناهجویان را مجرم جلوه دهد، در حالی که خود از تاکتیک های خشن پلیسی برای توقف پوشش رسانه ای و خبری سیاست های ضد پناهندگی اش استفاده می کند.

آغاز اخراج های فله ای مصادف است با ازسرگیری مذاکرات در آتن میان حکومت سیریزا و به اصطلاح «گروه چهارگانه» (کوارتت)، شامل اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول، حول دور جدید سیاست های ریاضتی و نابودی بیش تر استانداردهای زندگی طبقه کارگر یونان.

کمتر از ۱۵ ماه پیش بود که سیریزا و سیپراس، با ادعای «چپ» و حتی «سوسیالیست» بودن، سوار بر موج مخالفت های مردمی با خواسته های ریاضتی اتحادیه اروپا به قدرت رسید. ظرف مدتی که به زحمت به هفت ماه می رسد، حکومت سیریزا بعد از فراخواندن رفراندومی که طی آن درخواست های ریاضتی اتحادیه اروپا قاطعانه رد شد، به تمهیداتی به مراتب ویرانگرتر از آن چه حکومت های راست گرای پیش از آن اجرا کرده بودند، تن داد.

سال گذشته، تمام گروه های چپ نما در سطح جهانی، از حزب «ضد سرمایه داری نوین» فرانسه تا «سازمان سوسیالیستی بین المللی» در امریکا و «حزب کارگر» برزیل، به انتخاب سیریزا به عنوان پیروزی طبقه کارگر شادباش گفتند. تنها کمیته بین المللی انترناسیونال چهارم بود که از همان آغاز هشدار داد که سیریزا «معرف راه برون رفت از بحران» نخواهد بود، بلکه «خطر عظیمی را نمایندگی خواهد کرد».

همان طور که توضیح دادیم: «سیریزا با وجود چهره بیرونی چپ گرایانه خود، یک حزب بورژوازی است که بر اقشار مرفه طبقه متوسط اتکا دارد. سیاست های این حزب از سوی بروکرات های اتحادیه ها، آکادمیسین ها،

متخصصین و کارگزاران پارلمانی تعیین می شود که همگی در جستجوی دفاع از امتیازات خود از طریق حفظ نظم اجتماعی موجود هستند».

پس از تسلیم خفت بار سیریزا در برابر اتحادیه اروپا و پذیرش آن چه که معادل است با بردگی شبه استعماری یونان در برابر سرمایه مالی آلمان و جهان، کمیته بین المللی بیانیه ای را صادر و اعلام کرد: «توده های مردم در حال رویارویی چهره به چهره با ورشکستگی و خیانت احزاب سیاسی ای هستند که طی یک دوره کامل تاریخی، بر جنبش های اعتراضی و آن چه که به عنوان سیاست های چپ جا زده شده است، سلطه داشته اند... این احزاب تا دهه ها سیاست های خود را به عنوان سیاست های رادیکال یا ضد سرمایه داری جا زدند، در حالی که در واقعیت امر چنین نبودند. نخستین تجربه آن ها در حکومت نشان داد که تمام این ادعاهای ظاهری، یک شیادی و پوشش سیاسی بوده است برای سیاست های حامی سرمایه داری با هدف پیشبرد منافع ۱۰ درصد بالایی جامعه به بهای طبقه کارگر».

تحلیل کمیته بین المللی انترناسیونال چهارم اکنون با سیاست جنایتکارانه سیریزا در قبال پناهندگان، بیش از قبل و به شکلی تراژیک به اثبات رسیده است. در حالی که شمار زیادی از گروه های چپ نمای جهان با توجیه جنگ های تغییر رژیم در لیبی و سوریه به عنوان مداخلات «بشردوستانه» یا حتی «انقلاب»، از امپریالیسم حمایت سیاسی کرده اند، سیریزا با استفاده از قدرت دولت پلیسی برای آزار و اذیت قربانیان این جنگ، یک همیاری عملی را به شنیع ترین شکل آن به نمایش گذاشته است. همین امر تمام ادعاهای «حقوق بشری» امپریالیسم و کارگزاران چپ نمای آن را درهم شکسته است.

مبارزه با جنگ و دفاع از طبقه کارگر و پناهندگان، مستلزم ساختن یک حزب انقلابی جدید برای مسلح کردن مبارزات توده ای پیش رو به یک برنامه انقلابی، سوسیالیستی و انترناسیونالیستی است. چنین احزابی تنها در مبارزه آشتی ناپذیر برای افشا کردن و شکست دادن سیریزا و سایر مدافعین چپ نمای نظام سرمایه داری می توانند ساخته شوند.

۵ آوریل ۲۰۱۶

## اتحاد با ترکیه برای بستن مرزها:

بحران پناهندگی و اتحادیه اروپا ادامه دارد



پر اوکه وسترلوند

اتحادیه اروپا اکنون مشغول بستن درها به روی پناهجویان است. کسانی که خود را به یونان می‌رسانند، دیپورت و متعاقباً به ترکیه بازگردانده خواهند شد. مسیر بالکان غربی، مسدود می‌شود. اما جنگ و محنت کسانی که وادار به گریختن از کشور می‌شوند، ادامه می‌یابد؛ درست همان طور که بحران اتحادیه اروپا ادامه دار است.

نشست دیروز اتحادیه اروپا (دوشنبه، ۷ مارس)، نشان از بحران عمیق اتحادیه اروپا دارد. پس از یک شب مذاکره تا پیش از نشست، رهبر واقعی اتحادیه اروپا، آنگلا مرکل، طرح مشترک اش با نخست وزیر ترکیه، احمد داووداگلو را ارائه کرد.

برای همه دیگر رهبران حکومت‌ها و سران دولت، این حرف آخر بود: ترکیه، راه حل بحران پناهندگی اتحادیه اروپا است. بیش از یک میلیون پناهنده - یعنی تنها بیش از ۰,۲ درصد جمعیت اتحادیه اروپا - کافی بود تا

تضادهای ملی تندی را میان حکومت های اتحادیه اروپا و عمیق ترین بحران کل پروژه اتحادیه اروپا را رقم زد.

## نظامی شدن

کشورهایی که مرزهای خود را بسته اند- از جمله اتریش و سوئد- منجر به نظامی شدن بیش تر مرزهای خارجی اتحادیه اروپا شده اند. طرح های جدید- به آن صورت که سه شنبه شب در رسانه ها گزارش شد- حاکی از آن هستند که ترکیه با حمایت کشتی های ناتو (از آلمان، کانادا، یونان، ترکیه و انگلستان) مردمی را که از طریق دریا به یونان می گریزند، متوقف می کنند. کسانی که به یونان می رسند، به ترکیه بازگردانده می شوند. این به معنی انجام یک عملیات گسترده است. تنها در ماه های ژانویه و فوریه، ۱۳۲ هزار پناهنده از طریق دریای مدیترانه به اروپا سفر کردند.

رئیس شورای اروپا، دونالد توسک، هفته گذشته پناهندگان را ترغیب کرد که به اتحادیه اروپا نیایند. اکنون او و اتحادیه اروپا اضافه می کنند که ترکیه یک کشور «امن» است.

ترکیه در ازای ایفای نقش خود در چانه زنی، خواهان آن است که حمایت مالی اتحادیه اروپا به دو برابر، یعنی ۶ میلیارد یورو افزایش پیدا کند، مذاکرات بر سر عضویت در اتحادیه اروپا مجدداً آغاز شوند و شهروندان ترکیه برای سفر به اتحادیه اروپا نیازمند ویزا نباشند. سه شنبه شب آنگلا مرکل گفت که اتحادیه اروپا این درخواست های رژیم دیکتاتوری و شبه جنگی آنکارا را پذیرفته است.

## استیصال

امروز بیش از ۳۰ هزار پناهنده در یونان هستند، که از این تعداد نزدیک به ۱۵ هزار تن در وضعیت دشوار کمپ های «ایدومنی» در نزدیک مرز یونان با مقدونیه به سر می برند. نخست وزیر سوئد، «استفان لوفون»، ادعا کرد که حق آن ها برای پناهجویی مورد بررسی خواهد گرفت، در حالی که سایر رهبران اتحادیه اروپا جای تردید نگذاشتند که دیپورت ها صورت خواهند گرفت. هر کسی می تواند تصور کند که از پس چنین اخراج های گسترده ای چه تراژدی هایی خواهد آمد. پلیس مقدونیه پیش از این از گاز اشک آور در برابر پناهندگان استفاده کرده است.



استیصال رو به افزایش خواهد بود، به خصوص کسانی که از سوریه نمی آیند. به علاوه زنان و مردان نیمی از پناهندگان امسال را شکل می دهند؛ بسیاری از آن ها امیدوارند که دوباره در کنار همسرانشان که مرز گذشته اند قرار بگیرند.

## کجا باید رفت؟

اتحادیه اروپا می گوید که تنها پناهندگان سوری قادر خواهند بود مستقیماً از ترکیه به اتحادیه اروپا سفر کنند. سابقاً صحبت هایی از ۳۰۰ هزار پناهنده در طول یک سال بوده است - یک چهارم رقم سال گذشته. اما این که آیا حکومت ها آماده پذیرش آن ها هستند، مطلقاً روشن نیست. طرح پیشین اتحادیه اروپا برای توزیع پناهندگان، به عنوان نشانه ای از شکست خود اتحادیه در تاریخ ثبت می شود.

از ۶۶ هزار و ۴۰۰ پناهنده ای که گمان می رفت طبق طرح قبلی از یونان توزیع می شوند، ۳۲۵ تن در یک کشور دیگر اتحادیه اروپا اسکان داده شده اند. مجموعاً ۱۶۰ هزار پناهنده قرار بود از یونان، ایتالیا و مجارستان توزیع شوند. حتی آن زمان حکومت های اسلوونی، جمهوری چک، مجارستان و رومانی علیه این تصمیم رأی دادند. از آن زمان تاکنون حکومت راست گرا و ناسیونالیست جدید لهستان به آن ها پیوسته و تقریباً تمامی دیگر حکومت ها در جهت یکسانی قدم برداشته اند.

کنترل مرزی به درجات مختلف سفت و سخت تر شده است. سوئد در برابر دانمارک، نروژ در برابر سوئد، دانمارک در برابر آلمان، آلمان در برابر اتریش، اتریش در برابر اسلوونی و غیره، کنترل مرزی اعمال کرده اند. حتی یک درگیری نیز زمانی به وجود آمد که بلژیک نیز خواهان کنترل مرز خود با فرانسه شد.

تنها طی یک هفته پیش، حکومت اتریش - ائتلافی از سوسیال دمکرات ها و محافظه کاران - فراخوان به برگزاری کنفرانسی در وین همراه با نمایندگان ۹ دولت بالکان دادند، اما نه آلمان و نه یونان دعوت نشدند. سپس اتریش اعلام کرد که روزانه بیش از ۸۰ متقاضی پناهندگی در اتریش را نخواهد پذیرفت و اجازه می دهد که تنها ۳ هزار و ۲۰۰ نفر در روز از این کشور به آلمان بروند.

این بحران هم‌چنین ضعف اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن را نمایش داده است. در اصل سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) هستند که از پناهندگان مراقبت می‌کنند. در «ایدومنی» سازمان «پراکسیس» به مسأله غذا و «پزشکان بدون مرز» (MDF) به درمان و رفاه می‌پردازند.

## بحران‌ها ادامه دارند

هرچند به روال معمول باید منتظر جزئیات تصمیم اتحادیه اروپا بود، اما می‌توان چند نتیجه قطعی گرفت. کنترل‌های مرزی حکومت سوئد و سخت‌تر کردن رویکردش، عملاً سرآمد وخامت اتحادیه اروپا است، برخلاف این ادعاها که سوئد سایر حکومت‌ها را وادار به پذیرش پناهندگان می‌کند.

آنگلا مرکل و حکومت آلمان وعده و وعیده‌های سابق به پناهندگان - به خصوص پناهندگان سوری - را کاملاً نادیده گرفته و مشغول بستن مرزها هستند. این اقدام کوششی است برای بازیافتن حمایت سابق.

بحران اتحادیه اروپا، فرسنگ‌ها با حل شدن فاصله دارد. احزاب ناسیونالیست از حمایت برخوردار شده‌اند و سوء ظن نسبت به پناهندگان گسترش یافته است. این فضای موجود می‌تواند به ضد ساختار مالی اتحادیه اروپا و نهایتاً یورو تبدیل شود. سقوطی که سیاستمداران برجسته اتحادیه هشدار دادند، هم‌چنان یک تهدید واقعی است.

دیوارکشی‌های جدید و اخراج‌های فله‌ای منجر به تقویت راسیست‌ها و نازی‌ها خواهد شد. در اسلواکی، حزب سوسیال‌دمکرات حاکم از تبلیغات علیه پناهندگان به عنوان تنها موضوع انتخاباتی خود بهره برد، اما با این وجود در انتخابات هفته گذشته متحمل شکست سنگینی شد، و زمین بازی را به یک حزب نازی بخت. این کشوری است که سال گذشته پذیرای تنها ۳۵۰ پناهجو بود که از این تعداد فقط ۸ نفر پذیرفته شدند!

همبستگی و ضدیت با دیوارکشی کشورهای اتحادیه اروپا افزایش خواهند یافت. حتی نهاد پناهندگی سازمان ملل (UNHCR) می‌گوید که بحران، زخمی است که خود اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. عفو بین‌المللی می‌گوید که حمایت از ترکیه مضحک است. در یونان همبستگی نیرومند با پناهندگان ادامه دارد.

این بحران و تصمیمات اخیر مجدداً نقش واقعی اتحادیه اروپا را برملا می‌کنند. بحران پناهندگی، شکست سرمایه‌داری است. اقداماتی که علیه پناهندگان صورت می‌گیرد، بخشی از همان سیاست‌های نئولیبرالی

است که شاهد نجات بانک ها، خصوصی سازی بنگاه ها و خدمات عمومی، افزایش بیکاری، وخامت شرایط محیط های کاری و غیره بوده است.

تنها آلترناتیو عبارت است از مبارزه علیه سیاست های راست گرایانه و برای حق پناهجویی، علیه سرمایه داری اتحادیه اروپا، جنگ های امپریالیستی و استثمار در جهان و برای انترناسیونالیسم و یک مبارزه واقعی از پایین. علیه سرمایه داری و برای سوسیالیسم دمکراتیک.

۲۰۱۶/۳/۹

## بحران پناهندگی و دو قطبی شدن اروپا



### پیتر شوآرتس

«ایدومنی»، «لسبوس» و «کاله» ... هر روز شاهد تصاویری هستیم که تا دهه ها به فکر هیچ کسی در اروپا خطور نمی کرد: پناهندگان، همراه خانواده هایی با کودکان خردسال، زندگی در چادرهای سرهمبندی شده و گودال در زمین، غرق در گل و باران، بدون دارو و غذا. و باز هم: مرزهای بسته، سیم های خاردار، پلیس مسلحی که با گاز اشک آور و باتون به جان پناهندگان در مانده می افتد.

بخش های زیادی از مردم با ترس و نفرت نظاره گر این صحنه های دلخراش هستند، اما بحث سیاسی رسمی درباره بحران پناهندگی در میان طیف محدودی از جناح های راست تا راست افراطی در جریان است. در صحنه سیاست و رسانه، تنها صداهایی اجازه ابراز می یابند که خواهان ناسیونالیسم بی حد و حصر و مهر و موم مرزهای داخلی اروپا باشند، یا صداهایی که به اسم یافتن یک «راه حل اروپایی»، از نظامی شدن مرزهای خارجی اتحادیه اروپا و معامله کثیف با حکومت ترکیه حمایت می کنند.

دلسوزی برای پناهندگان، مهمان نوازی، کمک، حق محافظت و پناهجویی، همگی از گفتمان رسمی که منحصرأ بر مؤثرترین روش برای ارباب، مجرم جلوه دادن و رهایی از شر پناهندگان تمرکز دارد، به دور انداخته

شده اند. اکثریت قاطع مردم اروپا بنا به همه نظرسنجی ها، با پناهندگان حسّ همدردی دارند و تعداد بی شماری از آن ها برای کمک به کسانی که هیچ صدایی در ستون های روزنامه و برنامه های تلویزیونی ندارند، پس اندازه ها و وقت آزادشان را وقف کرده اند.

در ایالت های فدرال آلمان که روز یکشنبه انتخابات برگزار می کنند، سبزها، سوسیال دمکرات ها و به طور غیرمستقیم «حزب چپ» مشغول تشویق سیاست های آنگلا مرکل هستند، کسی که سفت و سخت از بستن مرزهای خارجی اتحادیه اروپا طرفداری می کند. تنها مخالفت از جانب جناح راست حزب «اتحاد دمکرات مسیحی» (CDU) و حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) است که خواهان بستن مرزهای آلمان هستند.

بحث و جدل در آلمان با بریتانیای کبیر شباهت دارد. رأی دهندگان در فراندوم «خروج بریتانیا» (Brexit) درباره خروج یا عدم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، با دو آلترناتیو راست رو به رو هستند: حمایت از نهادهای ارتجاعی اتحادیه اروپا، یا تأیید «استقلال» بریتانیا که تمامی موانع استثمار شدید طبقه کارگر را حذف و مهاجرت به کشور را به شکل بی رحمانه تری خفه می کند.

محدود کردن مناظره عمومی به جناح های راست که کل رسانه ها و احزاب حکومتی در بست در اختیارشان هستند، یک هدف سیاسی دارد: جلوگیری از این که دفاع و حمایت از پناهندگان به مبارزه علیه نظام سرمایه داری پیوند بخورد، نظامی که هیچ چیز برای ارائه به افشار مردم ندارد جز فلاکت اجتماعی، سرکوب و جنگ. کسانی که از تبلیغات نژادپرستانه و آتش سوزی های عمدی راست افراطی به هیجان و خشم آمده اند، قرار است به کانال های سیاست حکومتی هدایت شوند، سیاستی که ارتجاعی است و خاک حاصلخیزی را برای رشد راست افراطی فراهم آورده است.

بدرفتاری وحشیانه با پناهندگان، نقطه اوج یک چرخش به راست در سیاست اروپا طی چندین سال است. اقدامات صورت گرفته علیه پناهندگان، تندترین نمود این چرخش به راست تاکنونی است و نه علت آن. علت واقعی، بحران عمیق سرمایه داری بین المللی و قطب بندی اجتماعی تند متعاقب آن است. درست مانند دهه ۱۹۳۰، نخبگان حاکم با دامن زدن به ناسیونالیسم و بیگانه هراسی، استحکام دستگاه دولتی و پیگیری منافع اقتصادی و سیاسی بین المللی خود به واسطه جنگ، به این بحران واکنش نشان می دهند.

سال ۲۰۰۸، وقتی دسیسه های جنایتکارانه سفته بازان مالی، نظام مالی جهانی را به لبه پرتگاه کشاند، حکومت های اروپا، مانند سایر حکومت های دنیا، تریلیون دلار منابع عمومی را به بانک های ورشکسته پمپاژ کردند تا دارایی ثروتمندان را نجات دهند. وقتی در نتیجه امر برخی کشورهای ضعیف تر اروپا تقریباً زیر بار بدهی هایشان سقوط کردند و ثبات اروپا به خطر افتاد، اتحادیه اروپا و حکومت آلمان اصرار کردند که طبقه کارگر هزینه را متحمل شود. آن ها با تحمیل فقر گزنده به مردم یونان، این کشور را به درس عبرت بدل کردند.

سال ۲۰۱۴، آلمان و اتحادیه اروپا از کودتای دست راستی در «کی‌یف» (اوکراین) حمایت کردند و به تقابل با روسیه که هم‌چنان شدت یافته است، دامن زدند. این همراه شد با تشدید جنگ در سوریه. پس از این که ایالات متحده و متحدین اروپایی اش ابتدا افغانستان و سپس عراق و لیبی را ویران کردند، نزاع سوریه اکنون به جنگی با دخالت قدرت های بزرگ و منطقه ای تبدیل شده است و دنیا را تهدید به درغلتیدن به یک جنگ جهانی سوم می کند.

با قربانیان این جنگ ها که تلاش می کنند که با گریختن به اروپا از مرگ قطعی فرار کنند، بدتر از حیوان رفتار می شود. همه می بینند که نخبگان قابلیت چه رفتارهایی را دارند. آن چه با نسخه های دیکته شده ریاضتی در یونان و سایر کشورها آغاز شد، تداوم خود را در رفتار غیرانسانی با پناهندگان می یابد و علامتی است از آن چه که در آینده انتظار کارگران و جوانان را می کشد. تجربه تاریخی نشان می دهد که تبلیغ و تهییج علیه خارجی ها و پیروان ادیان مختلف (در آن مقطع یهودیان و امروز آلمانی ها) پیش درآمدی بر ستم به کل طبقه کارگر است.

تحت این شرایط، دفاع از پناهندگان، ضدیت با جنگ و میلیتاریسم، و مبارزه علیه سرمایه داری، از یک دیگر جدایی ناپذیرند. تنها یک جنبش مستقل طبقه کارگر، متکی بر یک برنامه سوسیالیستی و انترناسیونالیستی قادر به جلوگیری از عقبگرد اروپا به ناسیونالیسم، بربریت و جنگ است.

این مستلزم نه فقط ضدیت با راست افراطی که همین طور و مهم تر از همه مبارزه سیاسی بی امان علیه نفوذ گرایش های چپ‌نمایی است که با عبارت پردازی های چپ کارگران و جوانان را به خواب می برند تا حملات اجتماعی، استحکام سازوبرگ دولت و سیاست های جنگی نخبگان حاکم را تضمین کنند.

تجربه سیریزا در یونان نشان داده است که چنین احزابی قادر به این کار هستند. حکومت اسپراس اوایل سال ۲۰۱۵ به قدرت رسید، چرا که وعده پایان بخشیدن به سیاست های ریاضتی وحشیانه اتحادیه اروپا را داده بود. از آن زمان تاکنون، سیریزا سیاست های ریاضتی را شدت بخشیده و نقش پلیس مرزی و گارد زندان را برای اتحادیه اروپا به عهده گرفته است.

«حزب چپ» آلمان، «پودموس» در اسپانیا و احزاب بی شمار دیگری که سیریزا را تبلیغ و تا به امروز از آن حمایت کردند، نقش دیگری ایفا نمی کنند. آن ها نه سخنگوی طبقه کارگر، بلکه سخنگوی اقشار مرفه طبقه متوسطی هستند که خواهان سرنگونی سرمایه داری نیستند، بلکه در عوض به دنبال محافظت از آن به هر قیمتی هستند.

اعتراضات گسترده ای در اروپا نسبت به اثرات ویرانگر سیاست های ریاضتی، حملات به پناهجویان و حقوق دمکراتیک و علیه میلیتاریسم و جنگ وجود دارد. اما این اعتراضات فاقد یک چشم انداز و رهبری سیاسی هستند. کمیته بین المللی انترناسیونال چهارم و بخش های آن، برای اتحاد طبقه کارگر اروپا بر مبنای یک برنامه سوسیالیستی، برای ایالات متحده سوسیالیستی اروپا مبارزه می کند.

۱۱ مارس ۲۰۱۶

## گزارش دیده بان حقوق بشر دربارهٔ حملات به حقوق دموکراتیک در آمریکا و اروپا



### تام هال

هفتهٔ پیش «دیده بان حقوق بشر» نسبت به ازدیاد حملات به حقوق دموکراتیک در سرتاسر اروپا و آمریکای شمالی که حکومت‌ها به عنوان پاسخی به بحران مهاجرت توجیه کرده‌اند، هشدار داد.

گزارش سالیانهٔ این نهاد هشدار می‌داد که رسیدن پناهجویان فراری از جنگ و سرکوب در خاورمیانه، «بسیاری از حکومت‌های غرب را به سوی عقب‌راندن ضمانت‌های حقوق بشر حرکت داده است» و می‌افزاید «این گام‌های واپس‌گرا، تهدیدکنندهٔ حقوق همهٔ» بخش‌های جمعیت، و نه فقط پناهندگان هستند.

در مقالهٔ اصلی گزارش، «کنث روث»، مدیر اجرایی «دیده بان حقوق بشر» می‌نویسد: «در اروپا و ایالات متحده، مرزبندی بین "ما و آن‌ها" امری است که از حاشیه‌های سیاست به جریان اصلی راه یافته. اسلام‌هراسی شنیع و تلاش بی‌شرمانه برای دیوسان جلوه دادن پناهندگان به جریانی از تعصبات سیاسی بیش از پیش تحکم‌آمیز تبدیل شده است».



«روث» ادامه می دهد: «گفتمان عمومی آکنده شده است از صداهای نفرت و ترس از مسلمان، که اکنون جای خود را به پناهندگان {سررسیده از اروپا} داده اند». این فضا به «تبعیض دائمی، ناامیدی و یأس غالب بر حومه های برخی شهرهای اروپا» کمک می کند.

سال ۲۰۱۵ شاهد عقب رانده شدن سریع حقوق دمکراتیک در سرتاسر اروپا و امریکا بود. در فرانسه حکومت اولاند با بهره برداری از حملات نوامبر در پاریس و حمله به دفتر روزنامه «شارلی ابدو» در اوایل سال گذشته، تجسس دولتی و محدودیت آزادی بیان را به طور همه جانبه ای بسط داده است. در ایالات متحده امریکا نیز اوایل سال نیروهای نظامی برای سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز در برابر توحش پلیس اعزام شدند، در حالی که جاسوسی از شهروندان به طور افسارگسیخته ای ادامه یافت.

این گزارش شامل جمع بندی های جامعی از بیش از ۹۰ کشور در سال ۲۰۱۵ می شود. مبسوط ترین بخش، شامل ۲۴ صفحه، به اتحادیه اروپا اختصاص داد؛ یعنی بیش از بخش مربوط به عربستان سعودی - که رژیم سلطنت مطلقه آن سال قبل شماری زیادی را از جمله زندانیان سیاسی سر برید- و کشورهای نظیر سوریه و لیبی که عمیقاً در جنگ های داخلی فرو رفته اند. بخش ایالات متحده، با ۱۷ صفحه، در جایگاه دوم قرار داشت.

این گزارش اشاره می کند که در زمان نگارش متن، ۵۸۰ هزار نفر عموماً از کشورهای جنگ زده شاخ آفریقا و خاورمیانه، به ویژه سوریه، به وسیله قایق در سال ۲۰۱۵ به اروپا رسیدند. از این تعداد، بیش از ۳ هزار و ۷۷۰ نفر که یک سوم شان را کودکان شکل می داده اند، غرق شدند. مرسوم ترین مسیر برای مهاجرین، از خاک ترکیه به جزایر یونان در دریای اژه بوده است.

توافقات پیشین حکومت های اروپا برای اسکان دوباره پناهجویان در سرتاسر قاره، به کناری پرت شده است، چرا که کشورهای سرتاسر اروپا مرزهای خود را به روی پناهندگان می ببندند. تنها ۱۵۹ پناهجو از ایتالیا و یونان تغییر مکان داده شده اند، در حالی که سال قبل توافقی برای اسکان دوباره ۱۶۰ هزار پناهجو از این کشورها صورت گرفته بود.

سال پیش حملات به مسلمانان به سرعت افزایش یافت، چرا که گروه های راست افراطی و نئونازی به دلیل سیاست های تبعیض آمیز حکومت های اروپا جسارت بیش تری یافته اند. در نیمه نخست سال ۲۰۱۵ چنین

حملاتی در لندن به میزان ۴۶,۷ درصد رشد کرده اند. با این حال حملات نژادپرستانه به هیچ وجه محدود به مسلمان نیست؛ گزارش های حاکی از حملات ضد یهودی افزایش داشته یافته اند، و تخلیه تبعیض آمیز کولی ها از سوی حکومت های اتحادیه اروپا ادامه دارد. تبعیض وسیع نیز در کشورهای حوزه دریای بالتیک علیه روس تبارها وجود دارد.

همان طور که «روث» خاطر نشان می کند، در زمینه آزار و اذیت پناهندگان، امریکا نیز به اروپا پیوسته است. سال گذشته ۳۰ فرماندار امریکایی تلاش هایی برای جلوگیری از ورود پناهجویان سوری به ایالت های خود کردند، در حالی که دونالد ترامپ، پیشتاز فعلی جمهوری خواه، ایده ممانعت از ورود کلاً مسلمان ها به کشور را به سر زبان ها انداخته است. این گزارش اعلام می کند که ایالات متحده طی یک سال گذشته «گسترش سریع بازداشت مادران مهاجر و کودکانشان از امریکای مرکزی را ادامه داده است»، باید یادآوری کرد که بسیاری از این مهاجران از خشونت در کشورهای خود می گریزند. هرچند در گزارش اشاره نشده است، اما حکومت اوپاما ماه قبل در سال نوی میلادی زنگ دور جدیدی از اخراج های هدفمند کودکان امریکای مرکزی را به صدا درآورد.

این گزارش با نگرانی از تداوم حرکت به سوی گسترش سرکوب دولتی و جاسوسی از شهروندان در ایالات متحده و اروپا، آن هم با توجیه «خطر تروریسم»، صحبت می کند و ضمن اشاره به حملات تروریستی پاریس در ماه نوامبر گذشته، هشدار می دهد که «تجربه گذشته از حملات مهم در اروپا، به این نگرانی ها دامن زده است که شاید ضمانت های حقوق بشری دوباره به اسم امنیت تضعیف شوند». طبق این گزارش، طی کم تر از سه ماه از حملات ژانویه گذشته به «شارلی ابدو»، ۲۹۸ تن در فرانسه به جرم «ستایش تروریسم» متهم شده اند که دامنه ای «وسیع و نامعین» دارد.

در امریکا نهادهای جاسوسی از حملات سال گذشته پاریس بهره برداری کردند تا دوباره درخواست تعبیه به اصطلاح «در پشتی» (Backdoor) روی سیستم ها و شبکه ها را مطرح کنند، در حالی که حمله کنندگان پاریس مکالمات خود را رمزنگاری نکرده بودند. و در این میان مرکز بازداشت «گوانتانامو» با وجود سال ها وعده های توخالی اوپاما به تعطیلی آن هم چنان باز است. و «قانون اختیارات دفاع ملی» سال گذشته، با امضای اوپاما، «محدودیت های جاری حول انتقال بازداشت شدگان به بیرون از گوانتانامو را سخت کرده است» و به این ترتیب آزادی یا انتقال بازداشتی ها را به مراتب دشوارتر می سازد.

بسیاری از بدترین موارد نقض حقوق بشر سایر کشورها در این گزارش، از سوی متحدین ایالات متحده آمریکا یا قدرت های امپریالیستی اروپا صورت گرفته اند. به عنوان مثال گزارش مذکور ضمن بحث درباره تهاجم عربستان سعودی به کشور یمن که طی آن زیرساخت های غیرنظامی این کشور به عمده هدف قرار داده شده اند، توضیح می دهد که ایالات متحده با ارائه «حمایت اطلاعاتی و لجستیکی و پرسنل» به سعودی ها، «به طور بالقوه از مسئولین مشترک نقض قوانین جنگی از سوی نیروهای ائتلاف خواهد بود». این گزارش همچنین به تداوم کمک های امریکا به دیکتاتور مصر، «عبدالفتاح السیسی» و همین طور چشم پوشی حکومت اوپاما از مواد «قانون منع استفاده از کودکان به عنوان سرباز» برای تداوم حمایت از ارتش های چندین کشور آفریقایی، اشاره می کند.

امپریالیسم جهانی تحت بهانه شیادانه «مداخله گری بشردوستانه» از جنایات جنگی بی شماری در طی یک ربع قرن گذشته توجیه کرده است. اکنون یک گروه حقوق بشری برجسته وادار می شود اعتراف کند که همین قدرت ها، مسئول موارد عمده نقض حقوق بشر در درون مرزهای خود هستند. این نه فقط نگرانی ادعایی امپریالیسم برای «حقوق بشر» را به عنوان یک شیادی افشا می کند، بلکه همچنین شاخصی است از رشد اشکال پلیسی حاکمیت در درون این کشورها که بیش از هر چیز علیه طبقات کارگر آن ها هدف گرفته شده است.

۱ فوریه ۲۰۱۶

## غرق شدن پناهجویان در نزدیکی جزیره «فارماکونیسی» یونان



توماس گایست

به گفته گارد ساحلی یونان، غرق شدن یک قایق حامل پناهجویان در نزدیکی جزیره «فارماکونیسی»، تقریباً ۴۵ کشته، شامل ۱۷ کودک، بر جای گذاشت.

این کشته شدگان نیز از جمله تلفات رو به رشد قربانیانی هستند که از بلایای یک دهه جنگ امپریالیستی بی‌امان در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌گریزند. این حادثه تنها چند روز پس از آن رخ داده است که ۱۵ پناهنده در سانحه مشابه دیگری در نزدیکی جزیره «فارماکونیسی» جان باختند. طبق داده‌های «سازمان بین‌المللی مهاجرت» (IOM)، در ماه ژانویه سال جاری، بیش از ۱۱۰ پناهنده در آب‌های مدیترانه جان باخته‌اند، که بدین ترتیب رقم به ثبت رسیده در ماه ژانویه ۲۰۱۵ را پشت سر می‌گذارد.

سال گذشته نیز سازمان مذکور، مرگ و مفقود شدن دست کم ۲ هزار و ۹۱۰ پناهنده را در راه ترانزیت موسوم به «مسیر مرکزی»- ناحیه ای تقریباً بین لیبی و ساحل ایتالیا- به ثبت رسانده است. تقریباً ۹۰۰ مرگ دیگر از ژانویه ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۱۶ در شرق مدیترانه تأیید شده است. دست کم ۷ هزار نفر از اواخر ۲۰۱۳ به این سو در مدیترانه غرق شده اند.

با وجود مخاطرات عظیم سفر، تعداد بیش تر و بیش تری از پناهجویان تلاش می کنند تا از این طریق به اروپا برسند. همین ماه نزدیک به ۴۰ هزار پناهنده به خاک یونان و ایتالیا رسیده اند، رقمی که بیش از ۱۰ برابر بالاتر از ژانویه ۲۰۱۵ است.

هر روزی که سپری می شود، شاهد رسیدن قایق های زهوادررفته مملو از پناهجویان فراری از بلایای جنگ های سوئیه، لیبی و یمن به سواحل مدیترانه است. میلیون ها نفر در مواجهه با تهدید دائمی به مرگ از سوی نیروهای نظامی امریکا و ارتش های نیابتی، و فقدان اشتغال و غذا و آب به خاطر نابودی گسترده زیرساخت ها، خانه و کاشانه خود را ترک کرده اند.

آمار تلفات هم چنان به رشد ادامه خواهد داد، چرا که حکومت های اروپا به طور فزاینده ای توده های آواره را با عملیات نظامی هوایی و دریایی هدف می گیرند. یک ناوگان از کشتی های جنگی، هواپیما و پهباد اتحادیه اروپا، به عنوان بخشی از عملیات نیروی دریایی اتحادیه اروپا که سال پیش آغاز شد، برای هدف گرفتن قایق های مظنون به قاچاق اعزام شده است.

پناهندگانی که سالم به سواحل اروپا می رسند، با استقال اردوگاه ها، قوانین پناهندگی سختگیرانه تر و پلیس نظامی به عنوان اجزای یک نظام مدیریت پناهندگی رو به رو می شوند. پارلمان دانمارک در تدارک تغییراتی در سیاست خود است که به دولت اختیار ضبط مایملک شخصی پناهجویان را می بخشد. تحت این قانون پیشنهادی هرگونه دارایی به ارزش بیش از ۱۰ هزار دلار، مشمول مصادره می شود، به استثنای حلقه ازدواج. طرح این پیش نویس خشم عمومی بالایی را به دنبال داشته است.

سرکوبی مهلک پناهندگان، ارتباط نزدیکی دارد با تدارکات طبقه حاکم کل اروپا برای اعمال دیکتاتوری. روز ۱۳ ژانویه، پلیس آلمان دست به یورش گسترده علیه صدها ساکن برلین در ناحیه مرتبط با آنارشیست ها و گروه های چپ ضد فاشیستی زد.

صدها نفر از افسران مسلح، به منطقه هجوم بردند، و چندین روز آن را تحت اشغال داشتند. روز ۱۰ ژانویه، دیپلمات رده بالای سوئد خواهان پیش نویس طرحی نظامی برای تقویت عملیات ضد مهاجرین استکهلم شد، و اکتبر گذشته استکهلم قوانینی علیه پناهدگان را تصویب کرد که به موجب آن از اخذ موقعیت سکونت دائمی پناهجویان در سوئد جلوگیری می شود.

۲۳ ژانویه ۲۰۱۶



## سرمایه داری، و بحران پناهندگی (۳)

مجموعه مطالب

گردآوری و ترجمه: آرام نوبخت



## سرمایه داری:

پناهندگی و آوارگی



گردآوری و ترجمه: آرام نوبخت

Leninist.org